اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت سی اُم)

چطوری نماز به ما رسیده است؟

آشفتگی هایی که در میان مسلمانان جهان پدیدار شده است و اخیرا خیلی شدت یافته است، فقط و فقط به یک علت است؛ پیروی از احادیث و تلاش برای به اجرا در آوردن این احادیث است. وقتی که با آیات قرآنی ثابت میشود که قرآن تنها منبع وحی است و تنها پیامِ پیامبر محمد، فقط قرآن است؛ آنها در نهایت می گویند که اگر قرآن تنها منبع وحی است، پس طریقه انجام نماز در کجای قرآن آمده است؟ آنها میگویند که چرا جزئیات نماز در قرآن مثل جزئیات ارث ذکر نشده است؟

جهت جواب به این سوال ابتدا باید بدانیم که تکالیف دینی (نماز– زکات – روزه – حج) از پیامبر ابراهیم به پیامبر محمد رسیده است و پیامبر محمد در این مورد پیرو پیامبر ابراهیم بوده است. نماز در تمام ادیان آسمانی بعد از ابراهیم بوده

است و همه آنها نماز به جا می آورده اند. اما بعد از مدتی آنها نماز را ضایع (تحریف) و ترک کردند. مسیحیان نمازها را گم و ضایع کردند و از نتایج آن رنج میبرند زیرا که مناسک مذهبی هدیه ای است از طرف خدا به جامعه بشریت. هر جامعه ای آن را حفظ کند، بیشتر به خدای مهربان نزدیکتر است.

[۱۹:۵۹] فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَوٰةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوٰتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا
[۱۹:۵۹] پس از آنها، او نسل هايي را جايگزين آنان کرد که نمازها (ارتباط با خدا) را ضايع کردند و از شهوات خود پيروي نمودند. آنها از نتايج آن رنج خواهند برد.

حتی مشرکان زمان پیامبر هم نماز بجا می آوردند. در زمان پیامبر، کسی از او سوال نکرد که چگونگی نماز را برای ما تشریح کنید، زیرا همه طریقه نماز را میدانستند؛ شامل قیام، رکوع، قعود و سجود. خیلی از آیات قرآن با قل، یستفتونک، یسالونک و ... شروع میشوند و این آیات شامل سوالاتی است که از پیامبر محمد پرسیده میشد. اما هیچوقت کسی از پیامبر سوال نکرد که طریقه نماز را برای ما بگو. زیرا نماز بسیار ساده ست و چند حرکت پشت سر هم نیاز به نوشتن ندارد. هر چند که تمام حرکات نماز شامل قیام، رکوع و سجود در قرآن آمده است. مثلا خدا میفرماید که ای مردم هرگاه برای نماز قیام نمودید، ...؛ این نکته خودش نشان میدهد که اولین حرکت نماز قیام است و بعد رکوع و سجود.

همیشه عده ای بوده اند که نماز را حفظ کرده اند. افرادی مثل نصرانیان (شاخه ای از مسیحیان) آن را حفظ کردند. نصرانیان فعلی در سوریه و حلب دقیقا مثل ما نماز میخوانند (۱۷ رکعت در شبانه روز) و همچنین یهودیهای مسکو هنوز هم نمازشان را دقیقا با همان حرکات نماز ما به جا می آورند. حفظ نمازمسئولیتی است بر دوش بشریت، اگر ما اینقدر بی مسئولیت باشیم که نمازها را گم کنیم، نماز نخواندن شایسته ماست. لقمان طریقه نماز را به پسرش یاد می دهد و او را به نماز توصیه میکند.

[۳۱:۱۷] يَبُنَىَّ أَقِمْ الصَّلَوةَ وَأمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنْ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
[۳۱:۱۷] "اي پسر من، نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آور. طرفدار پرهيزكاري باش و پليدي را منع كن و در برابر سختي ها صبور باش. اينها از برجسته ترين صفات است.

اسماعیل طریقه نماز را به خانواده اش یاد میدهد:

[۱۹:۵۵] وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَوةِ وَالزَّكَوةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا
[۱۹:۵۵] او به خانواده اش سفارش مي كرد تا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آورند و زكات (انفاق واجب) را بدهند؛ او مورد قبول پروردگارش بود.

حرکات نماز نسل به نسل به افراد منتقل شده است و حرکات نماز تابحال گم نشده است. اما نام غیر خدا در آن وارد شده است که حذف باید بشود. تمام حرکاتی که یک نمازگزار باید انجام دهد در قرآن به صراحت ذکر شده است همچون ایستادن (۳:۳۹ و ۳۹:۹) رکوع و سجود (۲:۴۳ و ۹:۱۱۲ و ۳:۴۳). وقتی خدا میگوید که نماز، قیام و رکوع و سجود دارد، قطعا این حرکات در میان خویش شامل قعود (نشستن) هم خواهد بود. وقتی سجده باشد، حتما رکوعی در کار بوده است. زیرا برای سجده باید اول قیام و بعد رکوع بجا آورد.

زمان پنج وعده نماز صراحتا در قرآن ذکر شده است:

۱- نماز صبح : ۲۴:۵۸
۲- نماز ظهر :۱۷:۷۸
۳- نماز عصر :۲:۲۳۸
۴- نماز مغرب :۱۱:۱۱۴
۵- نماز عشا :۲۴:۵۸ و ۱۱:۱۱۴

ارث یک قانون است که باید نوشته شود. زیرا ارث ممکن است برای یک نفر، در طول عمرش یکبار پیش آید و حتی ممکن است که پیش نیاید. بنابراین نوشتن چنین قانونی در قرآن ضروری است و همچنین ارث مربوط به مادیات است و اگر

در قرآن ذکر نمیشد، ممکن بود که مردم زیرش بزنند. جزئیات وضو در قرآن آمده است زیرا اینطوری وضو گرفتن برای اولین بار در قرآن تشریع شد و قبلا وضو به این طریق در کتاب تورات سابقه نداشت. با این حال ، طرفداران حدیث و سنت برای اینکه ثابت کنند قرآن کامل نیست و به حدیث نیاز است؛ سوال مطرح میکنند که جزئیات نماز کجای قرآن ذکر شده است؟

جهت جواب فقط در نظر داشته باشید که اگر کتابهای حدیث و سنت نماز را حفظ کرده اند، پس مردم چند قرن اولیه هجری (آنموقع کتب حدیث وجود نداشت)، چطوری نماز بجا می آوردند؟ این نکته ای است که ثابت میکند که کتب حدیث و سنت نقشی در حفظ نماز نداشته اند و حتی نقش مخرب هم داشته اند. آنها در عوض براحتی نام غیر خدا را به نماز اضافه کردند.

اما نکته دیگر این است که تمام کتابهای حدیث را بگردید، یک حدیث جامع و کامل که طریقه نماز را گفته باشد، وجود ندارد. نمازی که نسل به نسل حفظ شده است و بوسیله معجزه ریاضی قرآن هم تایید میشود ؛ چرا روح و روان خودم را دست کتابهایی بدهم که آن را به هم بریزند و از کلام خدا دورم کنند. برای طریقه نماز خواندن؟؟؟ نمازی که آن را بلدم و در کتب حدیث نیست؟

شیطان متاسفانه به مردم وعده های دروغین میدهد. به بهانه جزئیات نماز، شما باید کتابهایی را در کنار قرآن قرار دهید، که نباید در کنار قرآن باشند. کتب حدیث و سنت بسیار خطرناکند و جوامع انسانی را به نابودی میکشانند. حدیث و

سنت بجای حفظ نماز، موارد دیگری به آن اضافه نموده است. از جمله قنوت، تعقیب وتسبیحات، تحیات. اما در تشهد که فقط شهادت به یگانگی خداست، در نماز سنت ، چند جمله به آن اضافه شده است. پس حدیث و سنت نه تنها نماز را حفظ نکرده اند، چندین مرحله و جمله به آن اضافه کرده اند. نماز تراویح را اختراع کردند و این نوع نماز ، نود درصدش قرائت قرآن است. درحالیکه خدا بین قرآن خواندن و نماز خواندن تفکیک قائل شده است و این دو باید جدا باشند و ماهیتشان متفاوت است.

طریقه انجام نماز در هیچکدام از کتابهای پیشین، مثل تورات و انجیل هم نیامده است. در حالی که تمام پیامبران و پیروانشان نماز بجا می آوردند. حتی بنی اسرائیل زمانی که در مصر برده فرعون بودند، نماز بجا می آوردند و خانه های خود را قبله قرار میدادند.

وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ (٨٧)
و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه هایی ترتیب دهید و خانه هایتان را قبله قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده (٨٧)

همینطور میدانیم که نه موسی کتاب سنت داشت و نه مسیح کتاب سنت داشت. هر چه بود، فقط کتابهای آسمانی بودند، شامل تورات و انجیل.

طرفداران حدیث خواستار آن هستند که در قرآن شکل نماز بصورت تصویری و مرحله به مرحله آمده باشد؛ در غیر آنصورت تهدید میکنند که به کتب حدیث و سنت مراجعه میکنند! واقعا وقتی خدای مهربان دستور به انجام نماز داده است، یعنی نماز باید انجام شود و خدای حکیم حتی میزان تن صدا، طریقه سجده در حین جنگ، و حتی اوقات آن را در قرآن ذکر فرموده است. طریقه انجام وضو قبل از انجام نماز هم ذکر شده است. پس نماز فیزیکی وجود دارد و باید بجا آورده شود. اما اینکه چرا حرکات آن را مرحله به مرحله نیاورده است، به این خاطر است که طریقه انجام نماز (قیام، رکوع، سجده) شاید ده درصد معنای واقعی نماز باشد و بقیه نود درصد آن، معنا و مفهوم و تقطیع امور روزانه در نماز است. با آمدن انجام مرحله به مرحله آن در قرآن، مردم آن را بدون فکر انجام میدادند و فکر میکردند که کار تمام است. خدای مهربان طریقه نماز را مرحله به مرحله در قرآن نیاورده است تا که ما خودمان آن را حفظ کنیم. حفاظت از شکل نماز بسیار مهم است. یکی از مهمترین جنبه های نماز، حفاظت از نماز است که برعهده خود ماست. نکته بسیار مهم این است که حفاظت از نماز، مرحله ای از مراحل نماز است و دقیقا به همین خاطر مرحله به مرحله نماز در قرآن نیست و اصلا نباید در سنت هم باشد. مردم بی توجه به این موضوع، این وظیفه مهم را برعهده حدیث و سنت میگذارند. در حالیکه باید خودشان انجام دهند. حفظ نماز وظیفه یک نسل است و نه یک

کتاب. و در واقعیت هم بوسیله افراد و نسل حفظ شده است و نه بوسیله کتب حدیث.

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)
و کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند و آن را حفظ میکنند (۳۴)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸)
بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید (۲۳۸)

لقمان به پسرش نماز یاد میدهد و اسماعیل به خانواده اش و سایر پیامبران هم همینطور. به این طریق نماز حفظ میشود و نیازی به کتابی غیر از قرآن نیست. نیامدن نماز مرحله به مرحله در قرآن به معنای آن نیست که خدا بخواهد ما را به سمت کتب حدیث و سنت سوق دهد و عملا نقش قرآن را به عنوان کتاب کامل و مفصل خنثی کند. مگر ممکن است که خدا مدام ما را به سمت قرآن بخواند و از آن به عنوان تبیانا لکل شیء، بیانا، تفسیرا، مفصلا و ... یاد کند ولی یهو ما را به سمت کتابهای نانوشته دیگری سوق دهد! آیا از حکمت خدا به دور نیست که ما را به سمت کتابهایی که دو سه قرن بعد از مرگ پیامبر نوشته شده است، موکول کند؛ کتابهایی که هر آنچه مردم دلشان خواسته است در آن تزریق کرده اند.

برای فهم دقیق نماز لطفا جملات زیر را با دقت بخوانید. تصور کنید در طول روز مشغول انجام کارهایی هستید. رانندگی می کنید. مطالعه می کنید. مشغول تفکر

در مورد یک موضوع هستید. تفریح می کنید. غذا می خورید. فیلم نگاه می کنید. خیابان گردی می کنید. پیاده روی می کنید و یا مشغول درس خواندن هستید و یا یک آزمایش علمی انجام می دهید و یا قرآن را قرائت می کنید، و یا تجارت می کنید و ... دراینجا منفی بودن و یا مثبت بودن این امور مهم نیستند. حتی ممکن است که مشغول قرائت قرآن باشید. نماز یعنی قطع این امور و ذکر خدا بمدت دو سه دقیقه. در این دو سه دقیقه فقط باید بخدا فکر کنید و کلمات مخصوصی که ثابت شده هستند مثل سوره فاتحه و الله اکبر و سبحن ربی الاعلی و ... طی قیام، سجده و رکوع را بگویید. باید بدانید که دارید چی میگوئید. نباید مثل طوطی تکرار شود. باید در این دو دقیقه خدا را مخاطب قرار دهید و فقط و فقط برای او باشد. حتی امور مهمی مثل قرائت قرآن و تفکر در آیات خدا هم باید قطع شوند و نماز بجا آورده شود.

نماز برای این است که بشریت در هیچ امری غرق نشود. خدا مخالف تفریح، مطالعه، تجارت و... نیست. اما جهت بهبود روح بشر، نیاز است که این امور در طول شبانه روز ۵ بار قطع شوند و در این ۵ بار به فقط خدا پرداخته شود. تمام انحرافات و منکرات و کارهای بد از همین عدم تقطیعها سرچشمه می گیرد. اگر ترمزی برای افکار، تفریحات، مطالعه، وبگردی، تجارت و ... نباشد، بشر در آن غرق میشود. امور فحشاء و منکر از همین روزنه ها و پیوستگی های مداوم در زندگی پیش می آید. بعضی از مردم فکر می کنند که نماز محل تفکرات است. ولی

برعکس نماز برای قطع نمودن تفکرات و اعمال روزمره ست و محدود شدن تفکر بخدا. در نماز فقط با خدا گفتگو میشود و لاغیر. در نماز تمام افکار قطع نمیشود بلکه تمام تفکر به فقط خدا معطوف میشود.

خدا به پیامبر دستور میدهد که وامر اهلک بالصلوهَ (خانواده ات را به نماز امر کن) . همچنین اسماعیل خانواده اش را به نماز امر میکند. در اینجا امر کردن، فقط به معنای دستور دادن نیست؛ بلکه به معنای حفظ کردن هم است. یعنی نماز باید در سطح خانواده ها حفظ شود. دقیقا به همین دلیل طریقه انجام نماز بطور کلی و مرحله به مرحله در قرآن نیامده است. حفظ نماز ، خودش رکنی از ارکان نماز است. وقتی نماز توسط نسلی اقامه شود، یعنی فرآیند انتقال و حفظ حرکات آن به نسل بعدی انجام شده است.

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)
و کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند (۳۴)

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ (۲۳۸)
بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید و خاضعانه برای خدا به پا خیزید (۲۳۸)

ما بخواهیم نخواهیم، تحت تاثیر نسل گذشته قرار داریم. کاری که آنها کردند، زندگی ما را هم تحت تاثیر قرار داده است. نوشتن کتابهای حدیث و سنت و خَلق یک منبع دیگر در کنار قرآن، در قرن بیست و یکم دارد آثار خودش را نشان

میدهد و خاورمیانه را بهم ریخته است. حدیث و سنت مثل تیری بودند که قرن سوم پرتاب شده و دارد در قرن ۲۰ و ۲۱ فرود میاید و روی زندگی مردم تاثیرگذار است و تاثیر مخرب خودش را گذاشته است. نماز در مقابل تمام این تیرها قرار دارد. مشرکان قریش از نوادگان اسماعیل بوده اند. خدا در مورد اسماعیل میگوید که :

[۱۹:۵۵] وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَوةِ وَالزَّكَوةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا
[۱۹:۵۵] او به خانواده اش سفارش مي كرد تا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آورند و زكات (انفاق واجب) را بدهند؛ او مورد قبول پروردگارش بود.

اسماعیل خانواده اش را به نماز سفارش میکرد و به آنان یاد میداد. به همین خاطر مشرکان زمان پیامبر تا حدی نماز را همچنان اجرا میکردند. نماز چیزی نیست که نوشته شود، بلکه باید حفظ شود. حفظ نماز خودش جزو نماز است و در طول زمان اگر حفظ شود، به عنوان یک نماز واقعی است. مسیحیان و یهودیان نمازها را گم کردند. البته به این معنا نیست که طریقه نماز در تورات و انجیل نیست. بلکه اگر هم باشد، بیفایده است. زیرا عملا بجا آورده نمیشود.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا (۵۹)
آنگاه پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تباه ساخته و از هوسها پیروی کردند و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید (۵۹)

خدای حکیم بجا نیاوردن نماز را در آیه بالایی اضاعه نماز یا ضایع کردن نماز می نامد. خدا میتوانست بگوید نماز را نخواندند. حتی در مبحث برگزاری نماز، خدا لفظ قرائت و تلاوت را برای نماز بکار نمی برد، بلکه از لفظ اقامه به معنای بجاآوردن استفاده مینماید. نماز چیزی نیست که نوشته شود. ماهیت آن نوشتنی نیست؛ بلکه بجاآوردنی و عملی است. خیلی از نسل جوان مسلمان ما، اکنون نماز بجا نمی آورند و تعداد زیادی هم نمازها را خراب کرده اند و نام غیر خدا را در آن وارد کرده اند و خالصانه برای خدا بجا آورده نمیشود و این یعنی حفظ نکردن نماز. یکی از دلایل حفظ نشدن نماز واقعی، خود کتابهای حدیث و سنت هستند. آنان با وارد نمودن جزئیات اضافی در نماز، باعث فوت و ضایع نمودن نماز شدند. مثلا نماز تراویح که حدود نیم ساعت تا یک ساعت طول میکشد؛ عملا نماز را به قرائت قرآن تبدیل کرده است و معنا و مفهوم نماز را از بین برده است. خدای مهربان بین نماز اقامه کردن و قرائت قرآن فرق قائل میشود.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ (۲۹)

در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می خوانند و نماز برپا می دارند و از آنچه بدیشان روزی داده ایم نهان و آشکارا انفاق می کنند امید به تجارتی بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد (۲۹)

در آیه بالایی ۱-تلاوت قرآن،۲- اقامه نماز ،۳- انفاق هرکدام یک امر جداگانه هستند و هرکدام نقش خودشان را دارند. بنابراین نماز تراویح که ترکیب اولی و دومی است؛ نماز را از هدف واقعی خویش دور میکند.

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ (۲۳)

همان کسانی که بر نمازشان پایداری می کنند (۲۳)

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (۳۴)

و کسانی که بر نمازشان مداومت می ورزند (۳۴)

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ (۵)

که از نمازشان غافلند (۵)

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (۲)

همانان که در نمازشان فروتنند (۲)

بنابراین حدیث و سنت هیچ نقشی در حفظ نماز نداشته و ندارند و حتی میتوان گفت که نماز ها را ضایع کرده اند. مثلا طالبان و گروههای مشابه در فرق مختلف اسلامی با اجرای حدیث و سنت؛ باعث میشوند که دیگر کسی کودکانش را به نماز و اسلام دعوت نکند و ده بیست سال دیگر ، تعداد کسانی که نماز بجا می آورند ؛

آنچنان کم شوند که بکلی نماز گم شود. آنموقع دیگر چه اهمیتی دارد که نماز در حدیث باشد یا نباشد؟! آنموقع دیگر حدیث و سنت زهر خودش را ریخته است. مسیحیان نمازها را گم کرده اند و اگر هم در کتابهایشان طریقه نماز هم باشد؛ دیگر بیفایده ست و عملا بود و نبودش یکسان است.

بیشتر تصمیمات زندگی بشر تحت تاثیر ضمیر ناخودآگاه اوست. ضمیر ناخودآگاه ما، هر آنچه که در طول زندگی پیش آید را در خود دارد. ضمیر ناخودآگاه زبان خاصی ندارد، اما اعمال و حرکتها را خوب متوجه میشود و آن را برای همیشه ضبط میکند و کنترلهای بعدی زندگی ما را بر اساس آن صورت میدهد. وقتی ما انسانها یک واقعه را مشاهده میکنیم، ضمیر خودآگاه ما قسمتهایی از آن را میبیند ولی قسمتهایی دیگر از آن را ضمیر ناخودآگاه ما می بیند. ضمیر ناخودآگاه بطرز عجیبی هر چیزی را بطور کامل ضبط میکند. گاهی شما یک آهنگ گوش میدهید، ولی آنچیزی که ضمیر خودآگاه می شنود با آن چیزی که ضمیر ناخودآگاه درک میکند، کاملا فرق دارد. گاهی ضمیر خودآگاه ما از آهنگ چیزی نمیفهمد و یا حواسش پرت است، ولی ضمیر ناخودآگاه در همان موقع کار خودش را انجام میدهد؛ این مساله بسیار مهم است که بدانیم ضمیر ناخودآگاه کنترل شدیدی بر افراد دارد. ضمیرناخودآگاه ما را، فقط خودمان نمیسازیم؛ بلکه هر آنچه که میبینیم و یا میشنویم و یا عمل میکنیم؛ در ساختن آن تاثیر دارد. حتی اعمال دیگران هم در آن موثر است. آدمها بهتر است که زندگیشان را دست ناخودآگاه نسپارند. به

به همین خاطر، باید بدانیم که حرکت و اعمال در ناخودآگاه تاثیر دارد. پس ناخودآگاه بوسیله حرف ساخته نمیشود، بلکه فقط حرکت مثبت و عمل صالح باعث رشد آن خواهد شد. همه چیز در جهان در حال تکاپو و حرکت است. حتی یک درخت همیشه برگهایش حرکت میکند، یک الکترون همیشه در حال چرخش است. بشر بدون عمل صالح مثل یک مرده است. اعمال صالح و نماز حرکتهای مثبتی هستند که ضمیر ناخودآگاه مارا تشکیل میدهند و آن را تصحیح میکنند. ما باید در طول روز هر طوری هست ناخودآگاه خود را قانع کنیم تا که واکشی اطلاعات غلط نکند. انجام یک نماز از آنجا که شامل حرکت است و شامل قیام، رکوع، سجود است؛ تاثیر بسزایی در ناخودآگاه ما دارد و مسیر و کانال آن را تا نماز بعدی مشخص میکند. نماز از آن جهت مهم است که انجام آن تاثیر بسزایی در کل جامعه دارد. ما قبل از خلقت با خدا عهد بستیم که فقط او را پرستش کنیم و قاعدتا باید به آن پایبند باشیم. نماز یکی از مهمترین ابزارهاست برای پایبندی به این قول و عهد. حدیث و سنت مثل تیری زهر آلود هستند که در قرن دوم و سوم هجری شلیک شده و اکنون در قرن حاضر به زمین می نشینند و زندگی مردم را دچار اختلال کرده است؛ این نکته به آن معناست که زندگی ما چه بخواهیم و چه نخواهیم تحت تاثیر نسلهای گذشته است. نماز یک فریضه و امانت است که نسل به نسل بدست ما رسیده است و نسل بشر باید خودشان آن را به نسلهای

بعدی منتقل کنند. تنها در سه آیه در قرآن ، فردی به خانواده اش به نماز امر و توصیه میکند. یکی پیامبر اسماعیل و دیگری پیامبر محمد و دیگری لقمان.

[۱۹:۵۵] وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَوٰةِ وَالزَّكَوٰةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا
[۱۹:۵۵] او به خانواده اش سفارش مي كرد تا نمازها (ارتباط با خدا) را به جا آورند و زكات (انفاق واجب) را بدهند؛ او مورد قبول پروردگارش بود.

جالب است که پیروان این سه ، توانستند حرکات نماز را در بین خود و نسلهای بعدی منتقل کنند و یا حداقل حرکات آن را حفظ کنند. اسماعیل به عنوان پدر اعراب جاهلیت که اعراب جاهلیت نماز بجا می آوردند (البته با کلمات غلط)؛ لقمان هم نماینده انسانهای آزاده در تمام جهان که بعضی افراد در اقصی نقاط جهان هنوز نماز بجا می آورند و دیگری پیروان پیامبر محمد که توانستند ظاهر نماز را زنده نگهدارند. با این اوصاف، این ادعا که حدیث و سنت نماز را حفظ کرده است؛ بسیار خنده دار است. زیرا حدیث و سنت خودش را نتوانسته است حفظ کند و پر است از تضاد و اختلاف. این انسانهای آزاده در هر دینی هستند که نماز را به نسلهای بعدی منتقل کردند و میکنند و نه حدیث و سنت.

خدا میفرماید که من در این کتاب از هرگونه مثالی آورده ام؛

[١٨:٥٤] ولقد صرفنا في هذا القرءان للناس من كل مثل وكان الانسن اكثر شيء جدلا

[١٨:٥٤] ما هرگونه مثالي در اين قرآن براي مردم آورده ايم، ولي انسان بيش از هر موجودي اهل مجادله است.

خدا در کلمات صادق ترین است و او خالق ماست و میداند که چه کلماتی و به چه مقدار برای هدایت ما لازم است. وقتی خالق ما میفرماید که قرآن دارای هرگونه مثالی (کل مثل**) است، به این معناست که باید به کتاب قرآن اکتفا کرد. منظور خدا این است که قرآن تنها منبع وحی است و بس. بنابراین کتابهای دیگری که منبع وحی نامیده میشوند، بر طبق این آیه در برابر قرآن قرار می گیرند. کسانی که منبع وحی دیگری غیر از قرآن تولید کنند، آشکارا برخلاف قرآن عمل کرده اند. به همین خاطر تولید کنندگان حدیث، در زمان پیامبر نمی زیستند. این یک نکته اساسی است و آن هم این است که چرا تولید کنندگان حدیث در زمان پیامبر کمترین حضور را داشته اند. ابوهریره و ابن عباس، بیشترین احادیث را روایت کرده اند و جالب است که اینها کمترین دیدار را با پیامبر داشته اند. ابن عباس در زمان فوت پیامبر، فقط سیزده سال داشته است! اما در زمان خلافت بنی عباس، احادیث زیادی از ابن عباس نقل شد؛ زیرا پدر بزرگ خلفای عباسی بوده است! پیروان حدیث و سنت ناخواسته و نادانسته دارند از یک کتاب درباری پیروی میکنند. یک کتاب درباری در مقابل کتاب خدا!**

راویان حدیث ، با جمع آوری و ثبت جملاتی دیگر که تا دو سه قرن دهن به دهن می چرخیده است؛ کتابهای دیگری تشکیل دادند. این عمل، نسلهای بعدی را هدف قرار داد. آیه زیر، بطور بنیادی اگر کمی رویش فکر کنید و تدبر به خرج داده شود؛ تماما مشخص میکند که حدیث چه جایگاهی در قرآن دارد.

[۷۷:۵۰] فباي حديث بعده يؤمنون
[۷۷:۵۰] كدام حديث را، غير از اين، قبول مي كنند؟

خدا دارد از ما سوال میکند و ما باید به این سوال قرآنی جواب دهیم. خیلی از مردم تابحال این سوال قرآنی را از خود نپرسیده اند. کدام حدیث را غیر از قرآن قبول دارید؟ ما باید جواب سوال خدا را بدهیم و گرنه مورد بازخواست قرار میگیریم.

طریقه انجام نماز به صورتی که تمام پیامبران و از جمله پیامبر محمد انجام میداد در فایل زیر ذکر شده است.

https://s2.picofile.com/file/8411080334/namaz.pdf.html